

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: آیدمیر گولر
فرستنده: عثمان حیدری
۲۶ سپتمبر ۲۰۱۸

بن بست «حزب عدالت و توسعه» در ادلب!



آیدمیر گولر، نویسنده «سول» پیرامون بن بست دولت «حزب عدالت و توسعه» در موضوع ادلب نوشت. گولر خاطرنشان می‌کند که خریدن وقت در ادلب تنها سیاست «حزب عدالت و توسعه» است و نشان می‌دهد چرا تعریف حزب اصلی اپوزیسیون پارلمانی- «حزب جمهوری‌خواه مردم» از ادلب به مثابه یک موضوع امنیت ملی در همان جهتی است که «حزب عدالت و توسعه» می‌رود.

مشکل در ادلب سوریه چیست؟

حزب جمهوری‌خواه مردم ترکیه [حزب اصلی اپوزیسیون پارلمانی] گفت که آن‌ها ادلب را یک مسأله امنیت ملی می‌بینند و حتی خواهان آن شدند که «ایمنی گروه‌های غیر تروریست تضمین شود». این آتش‌بس موقت اردو خان را با تبدیل آن به موضوع ترک مخاصمه کاملاً رادیکالیزه می‌کند. بنابراین، حزب جمهوری‌خواه مردم خواهان روحیه

مدت‌ها فراموش شده توافق ۱۹۹۸ آدانا است. البته، ایالات متحده نیز بخشی از این است. ما چه طور دیگر می‌توانیم سهم کردن ایالات متحده را در جلسه های آستانه، سوچی و تهران و تقاضای «انجام مذاکرات در یک بستر وسیع‌تر» تعبیر کنیم؟

چون همه این‌ها کافی نیست، ایالات متحده بخشی از همکاری می‌شود. در آخرین مقاله وضع کاملاً از کنترل خارج شد: «کنترل شدیدتر ترکیه بر این گروه‌ها می‌تواند حکومت سوریه را تحریک کند»، یعنی هیچ لطمه نظامی به ترکیه وارد نخواهد نشد. یک برخورد کلاسیک حزب جمهوری‌خواه مردم...

پس از جلسه تهران، ابراهیم کالین [سخنگوی رئیس‌جمهور] گفت مادام که حضور نظامی ترکیه در ادلب ادامه دارد روسیه و سوریه نمی‌توانند ریسک یک عملیات نظامی را بپذیرند. اگر این تخیلات شخصی کالین نباشد، این اظهارات بدین معنی است که اگر دمشق برای ادلب حرکت کند واحدهای نیروهای مسلح ترکیه به مثابه «سپر انسانی» جهادیون کمک خواهند کرد. حزب جمهوری‌خواه مردم این مزخرفات را می‌گیرد و برای آن یک شالوده منطقی می‌سازد.

هیچ‌کس نباید فکر کند که اپوزیسیون [حزب جمهوری‌خواه مردم] چون حزب عدالت و توسعه بدتر از آن‌ها است، عقل سلیم را نمایندگی می‌کند. حزب دمکراتیک مردم [هوادار کردها] خواهان کاهش تنش‌ها شد تا ایمنی زندگی شهروندان تضمین شود، هر دو در یک بیانیه مشابه اشاره کردند که راحل می‌تواند بدون فشار خارجی در میان طرف‌های محلی پیدا شود و همچنین از همه، به ویژه از ملل متحد خواستند به این روند کمک کنند. هنگامی که همراه این بیانیه‌ها ایجاد یک نیروی مستقل مطرح می‌شود، آن‌ها پیشنهاد می‌کنند که یک نیروی نظامی ناظر تشکیل شود...

حزب عدالت و توسعه در وضعیت خرابی قرار دارد. وضعیت اپوزیسیون چندان بهتر نیست. بهتر است همه مسائل را در یک جا بررسی کنیم.

نخست، گر چه ابداً ضروری نیست اما به دلیل موضع حزب جمهوری‌خواه مردم خوب است به توافق آدانا اشاره کنیم. توافق ۱۹۹۸ آدانا براساس اخراج پ. ک. ک [حزب کارگران کردستان] از سوریه قرار داشت. حضور ایالات متحده در پشت این توافق هنگامی کاملاً روشن می‌شود که تهدیدات ترکیه در آن‌زمان، از جمله اشغال بخشی از سوریه همراه با تحولات بعدی در نظر گرفته شود.

ایالات متحده دیرزمانی است که به جنبش‌های کردی به مثابه یک متحد نگاه می‌کند و در سال ۲۰۱۸ حتی یک رویداد واحد وجود ندارد که بتواند یادآور وضعیتی باشد که ۲۰ سال پیش وجود داشت. اگر حزب جمهوری‌خواه مردم سعی می‌کند، با توجه به تاریخ «وسیع» آن از جمله در «حزب سوسیال دمکرات چپ» در تهدید یک همسایه، نشان دهد خود از حزب عدالت و توسعه کمتر نمی‌باشد، در این‌صورت مشکلی نیست!

دوم، پذیرش این‌که ادلب یک موضوع امنیتی برای ترکیه است را باید خنثا کرد. نخستین معنای کلمه امنیت درباره جمعیتی است که ممکن است به سوی مرز ترکیه سرازیر شود. جمعیت سوریه اکنون بالای ۱۸ میلیون نفر است و محاسبه حزب عدالت و توسعه درباره ۳-۴ میلیون آواره یک رقم جعلی است. جمعیت ادلب حدود ۱،۵ میلیون نفر است. در فاز نهایی پاکسازی جهادیون از سوی ارتش سوریه حرکت‌های جمعیتی بزرگ رخ نداد. مهاجرت پدیده دوره‌ای بود که سوریه عمدتاً مورد حمله ترکیه قرار داشت. البته، خلاف اغراق‌گویی‌ها، امکان حرکت‌های جمعیتی مشخصی وجود دارد. اما، هنگامی که ادلب از جهادیون پاک شود، یک حرکت جمعیتی در جهت مقابل به سوی ادلب محتمل‌تر است.

اتفاقاً، اگر ترکیه صادقانه نگران یک موج جدید از آوارگان باشد، در این‌صورت ابتداء باید نیروهای خود را که به نظر دمشق متجاوز می‌باشند خارج کند، روابط خود را با باندهای «ارتش آزاد سوریه» قطع کند و به ایمنی مرزی ترکیه اولویت بدهد. در صورت جاری شدن چنان موجی، ارائه کمک بشردوستانه در مرز چیز دیگری است. حتی در آن

مورد، این فاکت را باید به یاد داشت که ترکیه با میلیون‌ها آواره در ترکیه خوب برخورد نمی‌کند و از آن‌ها به مثابه طعمه در حملات شووینستی استفاده می‌کند.

در ادامه موضوع دوم، لازم به گفتن است که اگر آن‌ها درباره ایمنی جان سربازان در آن سوی مرز نگرانند، سربازان باید از سوریه خارج شوند. همان‌طور که در بالا اشاره کردند، رویکرد حزب عدالت و توسعه این است که از سربازان ترکیه به مثابه «سپر انسانی منفعل» در برابر عملیات روسیه-سوریه استفاده کند. علت واقعی این مسئله امنیتی آشکار است.

یک نکته پایانی درباره موضوع دوم محتمل‌تر است: حکومت حزب عدالت و توسعه پیوسته بر ایفای نقش حامی باندهای جهادیون در ادلب پافشاری می‌کند. حمایت از غیرنظامیان عوام‌فریبی ناب است.

سوم، نتیجتاً اگر قرار است از سیاست‌های حزب توسعه و عدالت انتقاد شود و بدیل‌ها آفریده شوند، به این عوام‌فریبی نباید اعتبار بخشید. از نظر سیاسی کاملاً روشن است که جمعیت غیرنظامی در سوریه، از جمله بخش اعظم آن‌هایی که زمانی از جنگ علیه دمشق حمایت می‌کردند، از جنگ خسته شده‌اند و از دیدن یک قدرت مرکزی که ثبات و صلح پایدار را نمایندگی کند، خوشحال خواهند بود. حمایت از غیرنظامیان مهم است و حیاتی‌ترین حمایت خلاص شدن از جهادیون است.

چهارم، ادلب یک سرزمین سوری است. همان‌طور که چندین مفسر دیگر اشاره کرده‌اند، «اتهام» حزب عدالت و توسعه مبنی بر این‌که اسد می‌خواهد این سرزمین را «غصب» کند مزخرف و برای ابلهان است. این ادعا که فاقد ارزش دیپلماتیک می‌باشد، در واقع، پیامی به امپریالیسم غربی، عمدتاً به ایالات متحده است. حزب عدالت و توسعه آماده پذیرش حمایت امپریالیست‌های غربی در سوریه است.

پنجم، اپوزیسیونی که در پی بدیل سیاسی و انتقاد مدام است، باید از تلاش‌های ایالات متحده در گسترش موضع خود در منطقه کردستان دوری جوید. سوریه متعلق به سوری‌ها است و کنترل حکومت دمشق در منطقه قانونی است. تنها چیزی که می‌توان به کسانی که ادلب را کنترل می‌کنند گفت این است که باید تسلیم شوند.

ششم، همه طرفین به استثنای انقره، پسا-ادلب را بررسی کرده‌اند. من در پایان به استثنای حزب عدالت و توسعه اشاره خواهم کرد، اما در اینجا می‌توانیم بگوئیم که موضوع در ادعاهای ترکیه نه «اسلام‌گرایان غیر تروریست»، بلکه منطقه کردستان است. روسیه تاکنون به انقره گفته است اگر چنین گروهی [از اسلام‌گرایان غیر تروریست] وجود دارد از آن‌ها استقاف کنید» و تنها چیزی که حزب عدالت و توسعه توانسته پیدا کند جهادیون «ارتش آزاد سوریه» است که به آن‌ها حقوق می‌پردازد. و «ارتش آزاد سوریه» در دوره بعد در کنار کسانی خواهد بود که به آن پول بدهند.

در ارتباط با عامل کردی، در موضوع ناسیونالیسم چیزی وجود ندارد که به حزب جمهوری‌خواه مردم نسبت به حزب عدالت و توسعه دست بالا را بدهد. آن منطقه صاحب دارد. حزب جمهوری‌خواه مردم می‌تواند برای مدت زمانی در موضوع هواداری از امریکاگرایی رقابت کند. اما، چون سیاست در این منطقه داغ به موضوع عدم پابندی به اصول مبدل شده است، هیچ‌کس نمی‌تواند برآیند آن را پیش‌بینی کند.

هفتم، مذاکرات دمشق با «حزب اتحاد دموکراتیک کردستان سوریه» پس از موضوع ادلب صورت خواهد گرفت. روشن است که این روندی ناهموار خواهد بود. بدون خلاص شدن از بندگی ایالات متحده و تهدید ترکیه، توصیف یک بازیگر به مثابه یک «طرف محلی» غیرممکن است.

هشتم، در پی مرخص شدن باندهای جهادگرا، همه نیروهای نظامی بیگانه باید خارج شوند تا صلح در سوریه تضمین گردد. ما می‌دانیم که درگیری، به ویژه پس از پا به میدان نهادن روسیه، به یک جنگ نبابتی مبدل شده است. این گرایش

ممکن است هنگامی که بازسازی کشور از سوی اروپا، روسیه و دیگر کشورها در آینده در دستور کار قرار گیرد، تکاپوی جدیدی پیدا کند. درمان اولیه غیرنظامی کردن است، بدین معنی که همه نیروهای خارجی کشور را ترک کنند. بدون تردید، گفتن این که ورود روسیه به دعوت دمشق یک نیروی ناب صلح می باشد، دروغ است.

نهم، غیرنظامی کردن، بدین معنا که همه نیروهای خارجی کشور را ترک کنند، نمی تواند تنها با برداشتن خود این گام کامل شود. خاورمیانه یک کل ژئوپولتیک است و مبارزه برای صلح باید سوریه را امن کند. بدون تقویت موضع کاملاً ضعیف ضدامپریالیستی در منطقه، متوقف ساختن ارتجاع اسلام گرا، میلیتاریسم اسرائیل و همه نوع مداخلات امپریالیستی غیرممکن خواهد بود.

در پایان، می خواهیم درباره استثنای حزب عدالت و توسعه بگویم. گرچه حزب عدالت و توسعه، که عوامفریبی آتش پس آن سریعاً به وسیله روسیه خنثا شد، کارت روان کردن پناهندگان به سوی اروپای غربی را دارد، اما نمی تواند با آن جلو برود. مهاجرت تا حدی که از طرف امپریالیسم هدایت و فیلتر می شود، رخ می دهد. روان کردن میلیون ها آواره به سوی اروپای غربی ممکن است، اما ترکیه هزینه آن را خواهد پرداخت.

لذا، تنها سیاست حزب عدالت و توسعه خریدن وقت است. آشکار است که پس از نجات ادلب، دمشق از بحث «ترکیه متجاوز» استفاده خواهد کرد. یکی از هزینه هایی که ایالات متحده در آن وقت طلب خواهد کرد صندلی اردوخان خواهد بود تا بتواند به نیابت انقاره اعمال نفوذ کند. علاوه بر این، نیروهای مسلح ترکیه- ارتش آزاد سوریه کنترل یک منطقه در سوریه را در دست داشته باشند یا نه، هیچ کس نمی تواند جلوی طرح این پرسش را بگیرد که جهادیون از کجا کمک دریافت می کنند. اینجاست که جنایات جنگی حزب عدالت و توسعه با خط درشت نوشته شده است!

ادلب قطعاً یک نقطه حیاتی است. از زاویه ترکیه، ادلب یک موضوع بقاء به نظر می رسد. تلاش برای خریدن وقت بدون دانستن این که در آینده چه اتفاق خواهد افتاد... این است سیاست خارجی حکومت حزب عدالت و توسعه در ترکیه.

<http://news.sol.org.tr/aydemir-guler-writes-what-problem-syrias-idlib-175294>

عدالت: این مقاله را می توان نقد نوشته هایی مانند «چرا ادلب برای همه بازیگران جنگ داخلی سوریه مهم است؟» نیز تلقی کرد:

<https://wp.me/pLhLt-fLM>

منبع: «چپ» (Sol)، پورتال خبری حزب کمونیست ترکیه

سایت عدالت